



**همایش ملی سیاست گذاری عمومی ایران
ارزیابی سیاست‌های اقتصادی و فضای کسب و کار**

ناظر علمی:

دکتر علی سرزعی

تهیه و تدوین:

مهدی وکیلی فرد

(پژوهشگر و محقق سیاست گذاری عمومی)

عنوان: ارزیابی سیاست‌های اقتصادی و فضای کسب و کار

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.
هرگونه بازنشر این گزارش بدون اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ممنوع است.

فهرست مطالب

۲	مقدمه
۲	مسائل و مشکلات قابل اشاره در این حوزه
۳	محیط نهادی کسب و کار
۳	مؤلفه اول: سیاستها، قوانین و مقررات
۴	مؤلفه دوم: ثبات سیاسی و دولت
۴	مؤلفه سوم: امنیت حقوق مالکیت
۵	مؤلفه چهارم: خدمات عمومی و زیرساختها
۵	آسیب شناسی فضای کسب و کار در ایران
۶	آسیب شناسی
۷	دولت و فضای کسب و کار
۹	چالش های استراتژی در فضای کسب و کار نوین
۹	تحقیق انجام شده توسط بانک جهانی در خصوص موانع نهادی کسب و کار

مقدمه

جستجوی ریشه‌های تفاوت در عملکرد اقتصادها دغدغه همیشگی اقتصاددانان، به‌ویژه صاحب‌نظران دانش اقتصاد توسعه بوده است. چرا برخی کشورها از اقتصادی قوی، محکم و ریشه‌دار برخوردارند و کشورهای دیگری علی‌رغم برخورداری از شرایط مادی مساوی یا حتی بهتر، از ضعف عملکرد اقتصادی خویش رنج می‌برند؟ تأکید بر فرض «برخورداری از شرایط مادی مساوی یا بهتر»، مجالی برای انگشت نهادن بر اموری همچون موقعیت بهتر آب و هوایی، بهره‌مندی از منابع طبیعی بیشتر و بهتر، دسترسی آسان‌تر به بازارهای فروش و باقی نمی‌گذارد؛ چه این‌که دسترسی برخی از کشورهای دارای عملکرد ضعیف اقتصادی به موهبی از این دست، من حیث المجموع، کمتر از کشورهایی که عملکرد اقتصادی درخشانی داشته‌اند، نبوده است.

کسب و کار و سرمایه‌گذاری در هر کشور مستلزم فراهم بودن محیط نهادی مناسب و امنیت‌بخش در آن کشور است. صاحبان سرمایه، سرمایه‌های خود را در کشوری به کار خواهند انداخت که علائم و نشانه‌های امنیت اقتصادی به‌خوبی در آن قابل مشاهده باشد. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان هر جامعه باید به‌طور مستمر وضعیت امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در آن جامعه را «اندازه‌گیری» و کنترل نمایند و براساس نتایج حاصل از این اندازه‌گیری‌ها، تمهیدات لازم را برای «جذب سرمایه‌های خارجی» و «جلوگیری از فرار سرمایه‌های داخلی» به عمل آورند. قرائنی وجود دارد که حاکی از عدم موفقیت کشورمان در این دو زمینه است.

رشد اقتصادی مستلزم سرمایه‌گذاری است. اگر در جامعه‌ای سرمایه‌گذاری در حد و اندازه لازم صورت نگیرد، رشد اقتصادی کند یا متوقف خواهد شد. نتیجه این امر کاهش سطح رفاه عمومی جامعه است. اما سرمایه‌گذاری در صورتی محقق خواهد شد که محیط مناسب و امنیت لازم برای آن فراهم باشد. باید دید که آیا در حال حاضر این پیش‌شرط در کشور ما وجود دارد؟ و اگر چنین نیست، عناصر ایجاد ناامنی کجا و در کدام یک از حوزه‌های اجتماعی فعال هستند؟ آیا دولت - به عنوان نهادی که وظیفه آن ایجاد و گسترش امنیت در کشور است - نقش کلیدی خود را در این زمینه ایفا کرده یا برعکس، به نهادی «امنیت‌زدا» تبدیل شده است؟

مسائل و مشکلات قابل اشاره در این حوزه

برخی مشکلات و مسائل قابل اشاره در این حوزه عبارتند از:

۱. پیش‌بینی ناپذیری تغییرات در قوانین و سیاست‌ها؛
۲. متعهد و پایبند نبودن دولت به سیاست‌های اعلام‌شده؛
۳. بی‌خبرماندن سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار از پروسه وضع قوانین و سیاست‌های جدید مرتبط با رشته شغلی آنان؛
۴. بی‌توجهی به نظرات صنفی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار در پروسه وضع قوانین و سیاست‌های جدید؛
۵. لغو دفعی و بدون مقدمه قوانین و مقررات جاری توسط دولت؛

۶. بروز تغییرات اساسی در قوانین و سیاست‌ها پس از هر انتخابات (در صورت تغییر دولت)؛
۷. احتمال تغییر غیرقانون‌مند دولت (از طرفی مثل کودتا و ...)
۸. سلیقه‌ای و غیرقابل پیش‌بینی بودن احکام صادره توسط دادگاه‌ها؛
۹. ترس از دشمنی و رقابت دولت با بخش خصوصی؛
۱۰. شیوع فساد اداری در کشور؛
۱۱. گسترش فساد اداری به لایه‌های بالای مدیریتی و در نتیجه، عدم امکان شکایت از کارمندان سطوح پایین‌تر به‌خاطر مطالبه رشوه؛
۱۲. نهادینه‌شدن فساد اداری در کشور و در نتیجه، تبدیل شدن رشوه به نوعی «هزینه معلوم و اجتناب‌ناپذیر»؛
۱۳. ناکارآمدی فساد (به این معنی که فساد اداری نقش تسهیل‌کننده و «روغن» در روابط اداری را نداشته و صرفاً به عنوان یک مانع عمل کند)؛
۱۴. عدم شفافیت و وضوح قوانین و در نتیجه، بروز اختلاف نظر مستمر میان آنان و مسؤولان دولتی بر سر تفسیر قوانین

محیط نهادی کسب و کار

ماحصل بحث جامعه‌شناسان و اقتصاددانان این است که سرمایه‌گذاری در خلأ انجام نمی‌شود. شبکه بسیار پیچیده‌ای از ارتباطات میان مصرف‌کنندگان، بنگاه‌ها، مؤسسات و نهادهای دولتی و ... وجود دارد که «ظرف» سرمایه‌گذاری است. این ارتباطات که می‌تواند در اشکال رسمی و غیررسمی متبلور شود، به مثابه بستری است که کلیه رفتارهای اقتصادی - از جمله، سرمایه‌گذاری - در درون آن تحقق می‌یابد. اصطلاح نوظهور اما به سرعت رواج یافته «محیط نهادی کسب و کار» به همین معنی اشاره دارد. بدون آن که در صدد ارائه یک تعریف برای این اصطلاح باشیم، می‌توانیم با بیان برخی از مؤلفه‌های سازنده محیط نهادی کسب و کار، مقصود خود را از اصطلاح مزبور روشن سازیم:

مؤلفه اول: سیاست‌ها، قوانین و مقررات

قوانین و مقررات جاری، اعم از قانون اساسی، قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و ... و سیاست‌های حاکم بر تدوین و اجرای آن‌ها، از مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده محیط نهادی کسب و کار در هر کشور به شمار می‌روند. برخی از کشورها از پدیده تغییرات بیش از حد و غیرمنتظره سیاست‌ها - و در نتیجه، تغییرات پیاپی و غیرقابل پیش‌بینی قوانین، مقررات و دستورالعمل‌ها - رنج می‌برند. حضور چنین پدیده‌ای در یک کشور، مترادف با غیرقابل اعتماد بودن محیط کسب و کار در آن کشور است. برعکس، ثبات نسبی و طول عمر معقول سیاست‌ها و قوانین منبث از آن‌ها در یک اقتصاد، و قانونمند و قابل پیش‌بینی بودن تغییرات در سیاست‌ها و قوانین، با ایجاد نوعی آرامش خاطر برای کارگزاران اقتصادی، این احساس را در آنان تقویت می‌کند که در محیطی «امن» و «پیش‌بینی‌پذیر» قرار دارند. در چنین محیطی:

- تغییرات غیرمنتظره سیاست‌ها و قوانین اندک است (no policy surprise)؛

- کارگزاران «مطمئن» هستند که دولت به سیاست‌ها و قوانینی که خود وضع و اعلام کرده است، پایبند خواهد ماند (credibility of announcements)؛
- هرگونه تغییر در سیاست‌ها و قوانین، سریعاً به ذی‌نفعان اطلاع رسانی می‌شود، و مهم‌تر از آن، کارگزاران اقتصادی در فرایند ایجاد تغییرات در سیاست‌ها و قوانین، مشارکت داده می‌شوند (information and participation).

نخستین بار، آیمو برونیتی، گرگوری کیسانکو و بیتریس وِدر، محققان بانک جهانی، در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸^۲ با طراحی شاخصی برای اندازه‌گیری «قابلیت اعتماد به قوانین» و محاسبه آن در بیش از هفتاد کشور، نشان دادند که کشورهایی که قوانین در آن‌ها کمتر قابل اعتماد است، سرمایه‌گذاری و رشد کمتری را تجربه می‌کنند.

مؤلفه دوم: ثبات سیاسی و دولت

در ادبیات مربوط، معمولاً ثبات سیاسی را به معنی قانونمندی بودن تغییر دولت در نظر می‌گیرند. این تلقی از ثبات سیاسی اگرچه غلط نیست اما ناکافی است. مناسب‌تر آن است که در تعریف ثبات سیاسی، طول عمر دولت‌ها، و نیز طول عمر اجزاء دولت‌ها را نیز مدنظر قرار دهیم. ثبات مدیریت در سطوح میانی – اعم از وزارت‌خانه‌ها، ادارات کل، استانداری‌ها، شهرداری‌ها، دانشگاه‌های بزرگ و شرکت‌های مهم دولتی – جزء لاینفک ثبات سیاسی است. علاوه بر آن، موضوع دیگری که باید در هنگام سنجش ثبات سیاسی مورد توجه جدی قرار بگیرد، نحوه تعامل دولت‌های جدید – اعم از دولت‌هایی که به صورت قانونمند بر سر کار آمده‌اند یا دولت‌هایی که از طریق کودتا و مانند آن قدرت را به دست گرفته‌اند – با سیاست‌ها و قوانین برجای مانده از دولت قبلی است. در محیط‌های کسب و کار ناامن، این پدیده کاملاً شایع است که متعاقب تغییر دولت، تغییرات وسیعی در سیاست‌ها و قوانین اتفاق افتد.

مؤلفه سوم: امنیت حقوق مالکیت

در تمامی اقتصادها، موضوع حراست از حقوق مالکیت، مهم‌ترین دغدغه سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار را تشکیل می‌دهد. منشأ این نگرانی می‌تواند «رفتار مجرمانه شهروندان دیگر» و یا «رفتار غیرمسئولانه مقامات دولتی» باشد. دقیقاً به همین دلیل است که از دیرباز در همه جوامع، افراد سعی می‌کرده‌اند با اتخاذ تدابیر مناسب، جان و مال خویش را از دسترس جنایت‌کاران و سارقان (شهروندانی که رفتار مجرمانه دارند) دور نگهدارند. همچنان که از بدو پیدایش نهاد دولت، افراد نگران تعرض به جان و مال خود از سوی دولت‌مردانی بوده‌اند که رفتار غیرمسئولانه داشته‌اند. مسئولان دستگاه قضائی و دادرسان از جمله

۱ . Aymo Brunetti, Gregory Kisunko, and Beatrice Weder, Credibility of Rules and Economic Growth: Evidence from a Worldwide Survey of the Private Sector (working paper), World Bank, (۱۹۹۷)

۲ . Aymo Brunetti, Gregory Kisunko, and Beatrice Weder, Credibility of Rules and Economic Growth: Evidence from a Worldwide Survey of the Private Sector, World Bank, (۱۹۹۸)

برخی نکات سودمند در مقاله اول (Working Paper) آمده که در مقاله دوم حذف شده‌است. ضمن این که تعداد کشورهای مورد مطالعه از ۵۸ کشور در مقاله نخست به ۷۳ کشور در مقاله دوم افزایش یافته است.

دولت‌مردانی هستند که با رفتار غیرمسئولانه خود می‌توانند به نامنی محیط کسب و کار دامن بزنند. دستگاه قضائی در صورتی امنیت‌زاست که آراء صادره از سوی آن، پیشاپیش توسط طرفین دعوا - و نیز دیگران - قابل پیش‌بینی باشد. بخشی از این پیش‌بینی‌پذیری به استواری قوانین حقوقی و کیفری و وحدت رویه میان شعب مختلف دادگاه، و بخش دیگری از آن، به سلامت نفس دادرسان و مسؤولان دستگاه قضائی مربوط می‌شود. تضييع حقوق شهروندی توسط مقامات دولتی و خطر مصادره اموال - که در محیط‌های کسب و کار ناامن وجود دارد - غالباً به استناد آراء غیرمسئولانه صادره از سوی دستگاه قضائی اتفاق می‌افتد. براین اساس، می‌توان یکی از مؤلفه‌های مهم محیط نهادی کسب و کار را نحوه حراست از حقوق مالکیت در قبال تعرضات شهروندان دیگر و مقامات دولتی دانست.

مؤلفه چهارم: خدمات عمومی و زیرساخت‌ها

از آموزه‌های مهم اقتصاد کلاسیک که قرن‌ها پس از اسمیت همچنان استواری خود را حفظ کرده، این است که دولت‌ها موظف نیستند - و نباید - در عرصه‌هایی از اقتصاد که شهروندان قادر و حاضر به حضور در آن هستند، به طور مستقیم وارد شوند. بُعد دیگر این آموزه آن است که دولت‌ها متقابلاً موظفند در عرصه‌هایی که بخش خصوصی نمی‌تواند - یا نباید - مداخله کند، حضور فعال داشته باشد. این موضوع بعدها با پیدایش اصطلاح «وظایف حاکمیتی» پی‌گیری شد. بخش مهمی از وظایف حاکمیتی دولت‌ها معطوف به اموری است که سه مؤلفه فوق از مؤلفه‌های سازنده محیط نهادی کسب و کار را شکل می‌دهد. اما دولت‌ها علاوه بر «تولید سیاست‌ها، قوانین و مقررات کارآمد»، «تأمین ثبات سیاسی جامعه» و «تأمین حقوق مالکیت شهروندان» - که بخش نرم‌افزاری وظایف حاکمیتی دولت را تشکیل می‌دهند - در بخش سخت‌افزاری هم وظایفی دارند. تأمین کلیه زیرساخت‌های مورد نیاز فعالان اقتصادی که بخش خصوصی توان یا انگیزه کافی برای عرضه آن را ندارد، وظیفه سخت‌افزاری دولت در مسیر آماده‌سازی محیط نهادی کسب و کار است. تأمین آب، برق، ارتباطات، بهداشت، حمل و نقل، و ... بخش‌های مختلفی از وظایف سخت‌افزاری دولت‌ها هستند. بدیهی است کسب و کار و سرمایه‌گذاری در جامعه‌ای که فاقد استانداردهای لازم در این امور باشد، حتی با فرض وجود قوانین مناسب و امنیت حقوق مالکیت و ثبات سیاسی، چندان جذاب و نتیجه‌بخش نیست.

آسیب‌شناسی فضای کسب و کار در ایران

در یک بیان ساده و صریح، می‌توان اذعان داشت که بخش قابل توجهی از مقتضیات رشد اقتصادی هر کشور در گرو فضای کسب و کار مناسب در آن کشور است. آنچه تحت عنوان «فضای کسب و کار خاکستری» در ادبیات اقتصادی و مدیریتی کشور ایران مطرح می‌شود، می‌تواند بر عملکرد مدیران بنگاه‌های تولیدی، نیروی کار، سرمایه‌گذاران اقتصادی، روند تولید و فرآیندهای اقتصادی نظیر فروش، رقابت در عرصه‌های داخلی و جهانی و توسعه صنعتی و اقتصادی کشور تاثیر گذاشته و چهره اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور را مخدوش سازد.

در کشورهای منطقه و متاسفانه برخی کشورهای عربی همسایه که مامن سرمایه‌گذاران ایرانی شده و خروج سرمایه از کشور را

به دنبال داشته، می‌توان تاثیر بسیاری از عوامل موثر بر فضای کسب و کار و تاثیر متقابل وضعیت کسب و کار را بر بسیاری از شاخص‌های اقتصادی کشور مشاهده نمود.

فضای کسب و کار سرمایه‌گذاری را می‌توان از حوزه‌های استراتژیک توسعه صنعتی ایران تلقی کرد که عمدتاً ناشی از کلیه عوامل بیرونی بوده و عواملی چون بهره‌وری و اشتغال نیروی کار، سرمایه‌گذاری، آزادی‌های اقتصادی تولیدکنندگان و ظرفیت‌های تولیدی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، توسعه اقتصادی بر پایه رقابت‌پذیری کشورها استوار است و سلامت محیط کسب و کار از عوامل موثر بر رقابت‌پذیری می‌باشد. محیط کسب و کار روشن و سالم که منتج از سلامت اقتصاد و سیاست درست کشورها بوده و منجر به نتیجه‌های مثبت اقتصادی از قبیل صادرات مفید، رشد اقتصادی و توسعه صنعتی می‌شود، از مواردی است که اکیدا باید در فهرست سیاست‌های اقتصادی دولت قرار بگیرد.

آسیب‌شناسی

بررسی شاخص‌های کسب و کار که مبین سقوط کشورمان (از نظر رتبه) است و وضعیت کسب و کار کشور را از ابعاد مختلف، از جمله تاسیس و راه‌اندازی یک شرکت، اخذ مجوز، استخدام و اخراج نیروی کار، پرداخت مالیات‌ها به دولت، حجم تجارت برون مرزی، زمان مورد نیاز جهت انحلال یک شرکت و متغیرهای دیگر مورد بررسی قرار می‌دهد، ما را بر آن می‌دارد که به بررسی علل سقوط ایران از بعد فضای کسب و کار بپردازیم.

مقایسه آمارهای منتشر شده، سقوط مدام شاخص کسب و کار کشور را از رتبه ۱۱۳ در سال ۲۰۰۵ به ۱۱۹ در ۲۰۰۶، ۱۳۱ در ۲۰۰۷ و ۱۳۵ در سال ۲۰۰۸ نشان می‌دهد. در یک بررسی کلی، کشورمان در بسیاری از موارد که در محاسبه شاخص‌های فضای کسب و کار دخیل هستند با تغییرات منفی مواجه بوده است.

شاخص تاسیس و راه‌اندازی یک شرکت با ۱۱ پله سقوط نسبت به آنچه در سال ۲۰۰۷ شاهد آن بودیم از رتبه ۶۶ به ۷۷ (در بین ۱۷۵ کشور دنیا) سقوط کرده است یا شاخص اخذ مجوز جهت تاسیس یک شرکت با شش پله سقوط نسبت به سال ۲۰۰۷، به رتبه ۱۶۴ رسیده است.

همچنین، شاخص انحلال یک شرکت با هشت پله سقوط و قرار گرفتن در رتبه ۱۱۸ منجر به قرار گرفتن ایران در رتبه ۱۳۵ در بین ۱۷۵ کشور دنیا در زمینه فضای کسب و کار شده است.

توجه به ارقام مربوط به هر کدام از شاخص‌های فوق و مقایسه ارقام مزبور با رقم‌های مشابه در منطقه و کشورهایی که از نظر درآمدی، هم گروه با ایران محسوب می‌شوند، وضعیت ایران را به وضوح نشان می‌دهد. برای مثال، به طور متوسط هزینه لازم جهت اخذ مجوز بر حسب درصدی از درآمد سرانه در ایران ۶۵۳/۴ درصد می‌باشد که این رقم، بسیار بالاتر از رقم ۴۱۹/۶ در کل منطقه است.

همین رقم در مورد کشور امارات ۱/۵ درصد می‌باشد. از طرفی، مدت زمان مورد نیاز جهت اخذ مجوز و تکمیل مراحل تاسیس یک شرکت در امارات ۱۲۵ روز و در ایران ۶۷۰ روز می‌باشد. در رابطه با تجارت برون مرزی، تاجر اماراتی به طور متوسط ۷ سند و تاجر ایرانی ۸ سند را به امضا می‌رساند و ۱۳ روز زمان مورد نیاز جهت ترخیص کالای صادراتی از گمرک کشور امارات لازم است که این رقم در مورد کشور ما ۲۶ روز می‌باشد.

همچنین، هزینه‌ای که در ازای صادرات کالا در گمرکات کشور امارات پرداخت می‌شود، ۴۶۲ دلار است و این رقم در کشور ما ۸۶۰ دلار می‌باشد که البته از میانگین رقم مذکور در منطقه کمتر است.

تعداد بالای مدارک و اسناد و بوروکراسی عریض و طویل که منجر به کند شدن روند صادرات و به تبع آن کاهش انگیزه تولید و صادرات می‌گردد و احيانا مشکلات فساد اداری که از این تاخیر می‌تواند حاصل شود، از مشکلات اصلی صادرکنندگان کشور در مسیر صادرات کالاهای تولیدی است.

با توجه به آمارهای فوق‌الذکر، ایران در زمره کشورهای است که فضای کسب و کار آن از وضعیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشد، در یک نگاه کلی می‌توان مهم‌ترین عواملی را که بر محیط کسب و کار موثر بوده به عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، بین‌المللی، فن‌آوری، عوامل قانونی و مسائل اخلاقی و ارزشی طبقه‌بندی کرد.

در طبقه‌بندی ماهنامه «اقتصاد ایران»، فضای کسب و کار متاثر از حوزه‌های مختلفی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از درجه باز بودن اقتصاد، حاکمیت و کارایی دولت، کارآمدی بازارها، محیط اجتماعی - سیاسی، مسائل بین‌المللی، انعطاف‌پذیری بازار کار، مدیریت و محیط مستعد جهت توسعه فن‌آوری، باز بودن اقتصاد کشورها - که متأسفانه مطابق آمارهای بانک جهانی، ایران در رتبه ۱۵۱ در این زمینه قرار دارد - بر مبنای متغیرهایی نظیر تجارت بین‌الملل است که می‌تواند زمینه‌ساز ظهور و بروز فرآیندهایی در اقتصاد کشور شود و ثمره آن ایجاد انگیزه جهت افزایش سطح تولید بنگاه‌های داخلی و مزیت‌یابی و مزیت‌سازی بنگاه‌ها جهت رقابت در صحنه‌های جهانی باشد.

توجه به عواملی که در زمینه محاسبه شاخص کسب و کار کشورها مد نظر بوده، به صراحت، اهمیت قایل شدن بحث تجارت و نگاه کشورها به تجارت و تاثیر این نگاه بر فضای کسب و کار را روشن می‌سازد. مسلماً اهمیت دولت به بحث گسترش تجارت خارجی، شرایط را در جهت افزایش شرکت‌های تولیدی و حذف موانع و محدودیت‌های اضافی از مسیر تولید، در جهت بهبود تجارت و بهبود شاخص‌های کسب و کار فراهم خواهد کرد.

دولت و فضای کسب و کار

تاثیر حوزه متغیرهای حاکمیتی و کارایی دولت بر محیط کسب و کار، از عوامل مهم دیگری است که از طریق سیاست‌گذاری مطلوب دولت در امور شرکت‌ها جهت تسهیل امر صادرات و ارتقای کیفی و کمی تولید، مثمر ثمر می‌باشد.

حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران خرد و کلان اقتصادی و حمایت از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری ولو کوچک که سطح اعتماد

ارزیابی سیاست‌های اقتصادی و فضای کسب و کار

سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری افزایش می‌دهند، از آثار سیاست صحیح دولتی است. آنچه در بحث دخالت‌های دولت، مذموم می‌باشد، تصدی‌گری دولت‌ها و دخالتی است که منجر به سلب اختیار شرکت‌ها شده و آزادی عمل را از آنها می‌گیرد و مانع ابتکار و نوآوری این شرکت‌ها در عرصه تولید می‌شود.

اما آنچه اکنون به عنوان حمایت دولتی مطرح می‌کنیم، حمایت منطقی در جهت پویایی شرکت‌های مزبور است. در این بین، یکی از مسائلی که متأسفانه مورد بی‌مهری دولت‌های ما واقع شده، بنگاه‌های متوسط و کوچک کشور است.

آمارها نشان می‌دهند که بنگاه‌های کوچک، در جهت استفاده از کارشناسی‌های فنی و کسب مهارت‌های بازار و مشارکت در کسب‌وکارهای بین‌المللی، آمادگی بسیاری دارند و می‌توانند نقش بسزایی در صادرات ایفا کنند. ولی در حال حاضر سهم این بنگاه‌ها ۰/۱ درصد از کل صادرات کشور است و این امر نشانه عدم حمایت صحیح و منطقی دولت از این شرکت‌ها و موانع و مشکلات عظیمی است که بر سر راه این واحدها قرار دارند.

گفتنی است سختگیری‌های موجود در سیستم بانکی کشور در امر پرداخت تسهیلات به صورت اخذ ضمانت‌های سنگین و عدم اتخاذ تصمیمات صحیح در برابر شرکت‌های در آستانه ورشکستگی، از عوامل دیگر موثر بر محیط کسب‌وکار می‌باشد.

شاخص‌های کسب‌وکار ایران و کشورهای منتخب در میان ۱۷۵ کشور جهان

شاخص	مالزی	چین	کویت	ترکیه	هند	ایران	عراق	آمریکا	امارات	آلمان
تأمین و رفانداری یک شرکت (رتبه)	۷۴	۱۳۵	۱۲۱	۴۴	۱۱۱	۷۷	۱۶۱	۴	۱۵۸	۷۱
تعداد مراحل مورد نیاز	۹	۱۳	۱۳	۶	۱۳	۸	۱۱	۶	۱۱	۹
زمان مورد نیاز (روز)	۲۴	۳۵	۳۵	۶	۳۳	۲۷	۷۷	۶	۶۲	۱۸
هزینه (به عنوان درصدی از درآمد سرانه)	۱۸/۱	۸/۴	۱/۶	۲۰/۷	۷۴/۸	۵/۳	۹۳/۵	۰/۷	۳۶/۸	۵/۷
انطباق مجوز (رتبه)	۱۰۵	۱۷۵	۸۵	۱۲۸	۱۳۴	۱۶۴	۱۰۴	۲۴	۳۸	۱۶
تعداد مراحل مورد نیاز	۲۵	۳۷	۲۵	۲۵	۲۰	۱۹	۱۴	۱۹	۲۱	۱۲
زمان مورد نیاز (روز)	۲۸۵	۳۳۶	۱۰۴	۱۸۸	۲۲۴	۶۷۰	۶۱۵	۱۰	۱۲۵	۱۰۰
هزینه (درصدی از درآمد سرانه)	۱۰/۱۰	۸۴۰/۲	۲۰۹/۴	۳۶۹/۸	۵۱۹/۴	۱۵۳/۴	۹۱۵	۱۳/۴	۱/۵	۶۳/۱
استخدام و اخراج (رتبه)	۴۳	۸۶	۳۹	۱۳۶	۸۵	۱۴۱	۶۰	۱	۶۵	۱۳۷
میزان انعطاف‌پذیری استخدام (۱۰۰-۰)	۰	۱۱	۰	۵۹	۰	۱۱	۳۳	۰	۰	۳۳
شرایط استخدام (۱۰۰-۰)	۰	۲۴	۱۳	۴۲	۳۰	۴۰	۳۸	۰	۳۰	۴۴
میزان انعطاف‌پذیری اخراج (۱۰۰-۰)	۳۰	۴۰	۰	۳۰	۷۰	۵۰	۲۰	۰	۰	۴۰
پرداخت مالیات (رتبه)	۵۹	۱۶۸	۸	۴۴	۱۶۵	۹۷	۳۷	۶۶	۴	۶۷
پرداخت‌ها (تعداد در سال)	۳۵	۳۵	۱۴	۱۵	۶۰	۲۲	۱۳	۱۰	۱۴	۱۶
زمان (ساعت در سال)	۱۶۶	۸۷۲	۱۱۸	۱۳۳	۲۶۱	۳۹۲	۳۱۲	۳۲۵	۱۲	۱۹۶
نرخ کل مالیات (درصدی از سود)	۳۶	۷۳/۹	۱۴/۴	۴۵/۱	۷۰/۸	۴۷/۴	۲۴/۷	۴۶/۲	۱۴/۴	۵۰/۸
تجارت پرومترزی (رتبه)	۲۱	۴۲	۹۹	۵۹	۶۹	۱۳۵	۱۷۵	۱۵	۲۴	۱۰
تعداد اسناد صادرات	۷	۷	۸	۷	۸	۸	۱۰	۴	۷	۴
زمان صادرات کالا (به روز)	۱۸	۲۱	۲۰	۱۴	۱۸	۲۶	۱۰۲	۶	۱۳	۷
تعداد اسناد واردات	۷	۶	۱۱	۸	۹	۱۰	۱۰	۵	۸	۵
زمان واردات کالا (به روز)	۱۴	۲۴	۲۰	۱۵	۲۱	۲۲	۱۰۱	۵	۱۳	۷
اتحلال شرکت (رتبه)	۵۴	۵۷	۶۷	۱۱۲	۱۲۷	۱۱۸	۱۷۸	۱۸	۱۳۹	۲۹
زمان مورد نیاز (روز)	۲۳	۱/۷	۴/۲	۳/۳	۱۰/۱	۴/۵	-	۱/۵	۵/۱	۱/۲
هزینه (به عنوان درصدی از ارزش شرکت)	۱۵/۱	۲۲/۰	۱/۰	۱۵/۰	۹/۰	۹	-	۷	۳۰	۸/۰
رتبه سهولت کسب و کار	۲۴	۸۳	۴۰	۵۷	۱۲۰	۱۳۵	۱۴۱	۳	۶۸	۲۰

چالش‌های استراتژی در فضای کسب و کار نوین

«استراتژی»، «نقشه راه»، «تاکتیک» و ... از جمله مفاهیمی بود که تا چندی پیش در ادبیات نظامی به کار گرفته می شد، اما هم اکنون با پیچیده شدن فضای کسب و کار، این مفهوم در گستره عملیاتی سازمانها فراگیر شده است و سازمانها برای انطباق خود با شرایط موجود جامعه که فضای رقابتی آنها کم از عرصه جنگاوری ندارند، ناگزیر از توجه به این مفاهیم هستند.

تحقیق انجام شده توسط بانک جهانی در خصوص موانع نهادی کسب و کار

بانک جهانی در سال‌های پایانی قرن بیستم در پژوهشی میدانی با عنوان «موانع نهادی کسب و کار» به انجام یک تحقیق گسترده بین‌المللی، برای شناسایی موانع و مشکلاتی پرداخت که در کشورهای مختلف فراروی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار وجود دارد. این پژوهش که در سال ۱۹۹۶ توسط سه محقق پیش‌گفته (برونتی، کیسانکو و ودر) انجام شد، نمونه‌ای متشکل از ۳۶۰۰ بنگاه در ۶۹ کشور را شامل می‌شد و بانک جهانی از نتایج آن برای تهیه «گزارش توسعه جهانی ۱۹۹۷»^۳ استفاده کرد. نمونه مورد اشاره به دو نمونه جزئی‌تر شامل کشورهای توسعه یافته^۴ و کشورهای کمتر توسعه یافته^۵ تقسیم شده و کشورهای استرالیا، کانادا، فرانسه، آلمان، ایرلند، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، سوئد، انگلستان و ایالات متحده در گروه نخست، و کشورهایی از منطقه خاورمیانه، امریکای لاتین، صحرای افریقا، اروپای غربی و مرکزی و برخی از کشورهای تشکیل‌دهنده اتحاد جماهیر شوروی سابق در نمونه یا گروه دوم جای گرفته‌اند. بدین ترتیب، نمونه قابل توجهی از هر دو گروه در تحقیق برونتی، کیسانکو و ودر فراهم آمده است.^۶

محققان در مقاله جداگانه‌ای که در آن، داده‌ها، متدولوژی، پرسش‌نامه و نتایج تحقیق به صورت جداگانه منتشر شده است، انگیزه خود را از انجام تحقیق مزبور این‌گونه بیان کرده‌اند:

«شواهد زیادی وجود دارد که حاکی از این است که نامطمئن بودن قوانین، مقررات و سیاست‌ها، توسعه بخش خصوصی در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته (LDC) را تهدید می‌کند. چند نمونه برجسته از این شواهد عبارت است از مطالعه انجام شده توسط دستو (۱۹۸۹)^۷ درباره معضلات بنگاه‌های غیررسمی در پرو؛ توصیفی که کلیتگارد (۱۹۹۰)^۸ از وضعیت نااطمینانی در انجام کسب و کار در گینه استوایی ارائه کرده است؛ و تحلیل بورنر، برونتی و ودر (۱۹۹۵)^۹ از نااطمینانی نهادی در نیکاراگوئه. این مطالعات میدانی نشان می‌دهند که رفتار غیرقابل پیش‌بینی دولت‌ها می‌تواند هزینه‌های سنگینی را در مسیر توسعه اقتصادی کشورها ایجاد کند. اگر به روشنی معلوم نباشد که در آینده نزدیک چه قوانین و مقرراتی قرار است به اجرا

۳. World Development Report (۱۹۹۷), The state in a changing world

۴. Developed countries (DC)

۵. Less Developed countries (LDC)

۶. Brunetti, Kisunko, and Weder (۱۹۹۷)

۷. De Soto, Hernando, The Other Path: The Invisible Revolution in Third World. Harpercollins. ۱۹۸۹.

۸. Klitgaard (۱۹۹۰), Information and Market Institutions in Adjusting to Reality: Beyond "State versus Market" in Economic Development. ICS Press.

۹. Borner Silvio, Aymo Brunetti and Beatrice Weder (۱۹۹۵)

گذارده شود، کدام قراردادها حتماً – و نه به دلخواه دولت – اجرا خواهد شد، و بالأخره، اگر معلوم نباشد که آیا از حقوق مالکیت محافظت خواهد شد یا نه، بنگاه‌ها در بخش خصوصی، نوعاً به کاستن از سرمایه‌گذاری بلندمدت خود اقدام خواهند نمود.

غالب پروژه‌ها مستلزم هزینه‌های سنگین غیرقابل برگشت هستند. این مسأله باعث می‌شود که در فضای عدم اطمینان، بنگاه‌ها انگیزه‌ای برای تخصیص منابع خود به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت نداشته باشند. نظریه «سرمایه‌گذاری غیرقابل برگشت» (به عنوان مثال: دیکسیت و پندیک (۱۹۹۴)^{۱۰}، این ایده را، که چنین عدم اطمینان‌هایی به زیان سرمایه‌گذاری کل تمام می‌شود، تقویت می‌کند.

با در نظر گرفتن مطالعات موردی و استدلال‌های نظری معطوف به پدیده «برگشت‌ناپذیری سرمایه‌گذاری»^{۱۱} باید «قابلیت اعتماد به فعالیتهای دولت» را در رأس مطالعات و تحلیل‌هایی قرار داد که پیرامون منابع و علل اختلاف در توسعه اقتصادی کشورها انجام می‌گیرد. این درحالی است که به دلیل فقدان اطلاعات کافی در این زمینه، به این موضوع آن‌گونه که باید پرداخته نشده است. این تحقیق درصدد است تا این خلأ را پر نموده، مجموعه‌ای از اطلاعات کمی مقایسه‌پذیر را با هدف تعیین درجه نااطمینانی نهادی – در ابعاد مختلف و آن‌گونه که توسط اصحاب کسب و کار احساس می‌شود – فراهم آورد.^{۱۲}

۱۰. Dixit, Avinash K and Pindyck, Robert S (۱۹۹۴)

۱۱. Investment irreversibility

۱۲. Brunetti, aymo, Gregory Kisunko, and Weder (۱۹۹۸)